

دین الهی یکی است

عناوین ترتیبی

1. نقطه عطف تاریخ

1. تغییری عظیم در ادراک جمعی نوع انسان در حال بروز است، که پذیرشی نوین نسبت به پیام حضرت بهاءالله به وجود می آورد.
2. در اوایل قرن بیستم تعبیری ماده‌گرا از عالم هستی آن چنان در قلوب و افکار رسوخ کرده بود که گویی در جهت دادن به جامعه، باور رایج جهانی شده بود.
3. تاریخ به هدف مورد نظر خود رسید: مدنیتی جهانی مبتنی بر برداشت های غیردینی از عالم هستی.
4. آنسوی غرب، به شعار «خدا مرده است» عمدتاً توجهی نشد. با این وجود، مردمان این سرزمین ها بیگانه و به حاشیه رانده شده بودند.
5. در پایان قرن: تجدید حیات ناگهانی دین به عنوان پدیده ای جهانی و همه گیر
6. جست و جوی انسان در روحانیت با قوت و بدون کاستی ادامه می یابد و به همه جنبه فعالیت های انسان داخل می شود.

2. ناامیدی نسبت به وعده های مادی گرایی

1. احیاء شدن دوباره تمایلات انسان به دین حاصل نیروهای تاریخی است که در حال شتاب گرفتن است.
2. در مدت بیش از صد سال، توسعه تنها با پیشرفت مادی تعیین می شد. اشکال افراطی آن به حکومت های انحصار طلب منجر می شد.

3. سیستم های دیگر، با وجودی که از روش های غیرانسانی دوری می کردند، مواضعشان از همان درک محدود از حقیقت ریشه می گرفت.

4. حتی برنامه های «پیشرفت اجتماعی و اقتصادی» نیز نشانگر شکستی مأیوس کننده هستند.

5. در نهایت «اصول رفاه انسان» فرهنگی را ایجاد کرد که عمیق ترین نیازهای انسان را برآورده نمی سازد. در نتیجه، تحریف از حقیقت تمدنی رو به افول را نمایان می سازد.

6. اشتباه مادی گرایی تلاش های ستودنی آن برای بهتر شدن زندگی نیست، بلکه جدایی پیشرفت مادی از پیشرفت روحانی و اخلاقی است.

3. جهانی شدن در حال پیشرفت تجربه انسانی

1. یکپارچگی جهانی همچنین واقعیت های موروثی قرن بیستم را تضعیف می کند. تعامل بین جمعیت های گوناگون همه حقایق دیرینه را زیر سؤال می برد.

2. مهاجرت و سفر، افراد مردم را با فرهنگ ها و آداب جدیدی مواجه ساخت. مردم با انسانیتی که بین آنها مشترک است، رو در رو شده اند.

3. شناخت فزاینده «وحدت نوع انسان»، اصلی که حضرت بهاءالله یک قرن و نیم پیش به رهبران جهان اعلان نمود، نادیده انگاشته شد؛ ولی به طور مقاومت ناپذیری به توفیق خود دست یافت.

4. از دست دادن ایمان به مکتب مادی گرایی و جهانی شدن تدریجی تجربیات بشری دست به دست هم داده اند تا نابسامانی را ایجاد کنند که بخشی از فرایندی روحانی است.

4. نیازهای فعلی بشر بر ادیان دیرینه غلبه می کنند.

1. در طول تاریخ، ادیان بزرگ عامل اولیه فرایند تمدن بوده اند.

2. چرا این میراث بس غنی نقشی محوری در بیداری کاوش روحانی عصر حاضر ایفا نمی کند؟

3. تعالیم اجتماعی این ادیان که برای زمان های گذشته به وجود آمده اند، نمی توانند به نیازهای انسان مدرن پاسخ گویند.

4. ارتباط نزدیک بین افرادی که عقاید متفاوت دارند باعث ایجاد تردید و سردرگمی می شود.

5. هیچ یک از نظام های دینی گذشته نمی تواند نقش رهبری نهایی انسان را در رابطه با مسائل زندگی عصر حاضر به عهده گیرد. این از خصوصیات ذاتی فرایند تکامل است.

5. حضرت بهاءالله مفهوم کلی دین را دگرگون می کند.

1. لازم است هنگامی که بهائیان پیام حضرت بهاءالله را با دیگران در میان می گذارند، متوجه سوءتعبیرهای گسترده ای که درباره سرشت دین می شود، باشند.

2. همه تعابیر متنوع و متضاد دین یک خصوصیت مشترک دارند: همگی پدیده ای را که کاملاً فوق ادراک بشری است، به تدریج در محدوده های ذهنی ساخت بشر، زندانی کرده اند.

3. انسان ها نمی توانند خدا را درک کنند. پروردگار خالق ما با مخلوق همیشه در حال تکامل خود از طریق ظهور هیاکل مقدسه پیامبران ارتباط برقرار می کند.

4. مظاهر ظهور الهی در زمان های متفاوتی ظاهر می شوند، ولی همه آنها حقیقت واحدی را ترویج می دهند.

5. مظاهر ظهور الهی مردمان را سرشار از صفات الهی می سازند و به آنها کمک می کنند تمدنی رو به رشد را به پیش برند.

6. ایمان اشتیاقی ضروری و خاموش نشدنی است.

7. کار مظاهر ظهور الهی تنها تکرار نیست، بلکه پیشرفت است. ظهورات پی در پی نوع بشر را به عنوان اشرف مخلوقات نسبت به توانایی ها و وظایف خود آگاه کرده اند.

8. حضرت بهاءالله تنها اعلان دینانی جدید ننموده است، بلکه مفهوم کلی دین را دگرگون ساخته است. بشر عصر حاضر وارث میراث روحانی کل تاریخ است.

9. برهان» خداوند این است که مرتباً خود را به صورت مظاهر ظهور الهی ظاهر می سازد.

مظاهر ظهور الهی تأثیری فراتر از هر پدیده تاریخی دیگری از خود به جا می گذارند.»

6. استمرار ظهورات الهی و سیر تکاملی دین و عدم درک آن

1. مخالفت معمول با اعتقاد به وحدت اساس ادیان

2. قیاس زندگی فرهنگی: تکامل و تنوع شگفت انگیز بیان انسانی به هیچ وجه اعتبار این

واقعیت را از بین نمی برد که نوع بشریکی است.

3. فرایندی مشابه مشخصه حیات دینی بشر است. تعالیم متفاوت که برای پاسخگویی به

نیازهای هر عصری به وجود آمده اند، از یک منبع سرچشمه می گیرند.

4. آموزه های ابدی در مقابل آموزه های گذرا: پیام اصلی دین تغییرناپذیر است؛ برای

افزایش فرایند تمدن سازی رهنمودهای معینی به وجود آمده است.

5. اهمیت درک ظهور الهی در ظاهر آن. قصور اکثریت نوع بشر در این مورد، جوامع بزرگی

را به کرات محکوم به آن نموده که بنا بر عادت دیرین، همان احکام و شعایری را که

مدت ها پیش نقش خود را ایفا نموده تکرار نمایند.

6. عموماً، تکنولوژی این حق را برای خود متصور بوده است که هدف الهی را تفسیر کند.

7. الهیات مرجعیت خود را در قلب ادیان بزرگ ساخته است.

8. نتیجه: ساختن موانعی بین اعتقادات مختلف. هر مرحله جدید از سیر تکاملی ظهور

حقایق روحانی، در زمان و در انبوهی از تصاویر و تفاسیر ظاهری و تحت اللفظی منجمد

گردید

7. وحدت هدف ادیان

1. بررسی متون گذشته با دیدگاهی که حضرت بهاءالله به ما می دهد، حاکی از اهداف و

اصولی واحد است..

2. توانایی روح بشری در درک مقاصد پروردگار منوط به لطف و عنایت الهی است.

3. هدف از انسانیت شناخت خداوند و خدمت به دیگران است.

4. همه آیین‌های بزرگ به تلویح و معمولاً به تصریح به توالی ظهورات الهی اشارت دارند.
5. فقط یک دین به معنای واقعی وجود دارد. . "دین دین است، همانطور که علم علم است".
6. این شناخت از جایگاه مظاهر ظهور الهی برای ما کافی نیست که آنها را مؤسس ادیان جداگانه بدانیم. آنها آموزگاران روحانی تاریخ بشر هستند.
8. شکل‌گیری مذهب از تمدن و فرهنگ

1. وضع احکام دینی در هر دوره و عصر بر دغدغه‌های مادی و روحانی که در آن مرحله از تاریخ دارای اهمیت و الویت بودند تمرکز داشت و بقیه پیشرفت‌های موردنظر را رها می‌کرد تا در زمان خود در ظهورهای آتی به آنها پرداخته شود.

2. مثالی از دیانت اسلام: قوانینی که امروز ظالمانه به نظر می‌رسند قبایله‌های متخاصم را متحد کرد و متجاوزان پنج قرن به پیشرفت‌های بزرگی نائل آمد، پیشرفت‌هایی که از نظر سرعت و وسعت تا آن زمان و حتی بعد از آن نظیرش دیده نشده بود.

3. مسئله جرم و مجازات در درک تکامل جامعه در جهت بلوغ روحانی بسیار بحث‌برانگیز است و به بینشی تاریخی نیاز دارد.

4. وضع احکام دینی در هر عهد و عصری بر اصلاحاتی متمرکز است که فوری و ضروری به نظر می‌رسد.

5. حضرت بهاءالله ما را متذکر می‌دارد: «امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید.»

9. وضع اصولی برای عصر حاضر

1. از جمله اجزای غیر قابل تفکیک این تعالیم، اصول مربوط به اداره امور جمعی بشر است.

2. با ظهور حضرت بهاءالله، اصول و تعالیمی که برای بلوغ جمعی نوع بشر لازم است، مجهز به نیرویی شده است که می‌تواند در اعماق انگیزه‌های بشری نفوذ کند.

3. مشکل فقدان نیروی تعهد اخلاقی لازم است که بتواند این آرمان ها را در عمل پیاده سازی کند.

4. نیازهای این عصر که حضرت بهاءالله آنها را اعلام کرده اند اکنون توسط اذهان روشنفکر جهان - حداقل به عنوان آرمان های مطلوب بشر- پذیرفته شده اند.

10. نیروی وحدت: الگوی جامعه بهایی

1. اگر اجتماع به «فقدان وحدت» به عنوان عامل اصلی بیماری های جهان ننگرد، پیشرفت آن متوقف خواهد شد.

2. جهان به تجویزهایی دل بسته است که توسط سوءبرداشت های مادی گرایانه از حقیقت شکل گرفته اند. ولی وحدت یک موقعیت روحانی است- تنها منبع مورد اعتماد آن در قوانین و اصولی جاری است که توسط خداوند ظاهر شده است.

3. منظور حضرت بهاءالله ایجاد یک جامعه جهانی است که روح وحدت و یگانگی نوع بشر در آن متجلی باشد- پدیده ای که جهان شبه آن را به خود ندیده است..

4. دست آورد جامعه بهایی در این خصوص شایان توجه و دقت است.

5. امر بهائی توانسته است وحدت خود را در مدت زمان موجودیتش یک دست و بدون خدشه حفظ کند.

11. تفرقه و تداوم شر

1. دنیای مدرن قادر به رویارویی مؤثر با قضیه شر نیست.

2. از آنجایی که وحدت کلید استقرار صلح و عدالت در عصر حاضر است، تجاوز به آن نشانگر شر در مخرب ترین شکل آن است.

3. شر نقض عمده پیمان های صلح و همزیستی است که بدان وسیله مردم خیرخواه می کوشند تا از گذشته تاریک بگسلند و به یاری دیگران آینده ای نو بنا نهند.

4. حضرت بهاءالله عهد و میثاقی را تأسیس کرد تا وحدت موجود در تعالیمش و جامعه ای را که به عرفانش نائل شده است، محافظت کند

5. نقض عهد و میثاق تنها مخالفت یا نقض اخلاقیات نیست، بلکه تلاشی آشکار برای القای هواهای نفسانی خود می باشد که عهد و میثاقی را که فرد به آن پایبند بوده نقض می سازد.

12. پیشرفت جامعه جهانی بهایی

1. بهائیان باید توجه نفوسی را که به طور جدی نگران بحران مدنیت کنونی هستند به خود معطوف سازند، زیرا این پیروزی شاهد صادقی است بر این مدعا که بشریت می تواند در یک وطن جهانی به عنوان یک نژاد واحد به رضایت و خوشبختی دست یابد.
2. فوریت نقشه های جهانی امر بهایی- نیاز به ازدیاد منابع و متنوع ساختن استعدادها.
3. فرهنگ رشد سیستماتیک در جامعه بهایی- فعالیت های اساسی در همه نقاط دنیا اجرا شده اند.
4. در میان گذاشتن پیام حضرت بهاءالله با دیگران و ترویج بهبود جامعه ویژگی های دوجانبه یک نقشه جهانی هستند. تعهد به کمک به جنبش جهانی بشریت به سمت خداوند.
5. ابلاغ پیام حضرت بهاءالله به دیگران یک پروژه بین ادیانی نیست. برای روح، تجربه قبول دینی دیگر یک جنبه نامألوف یا تصادفی کاوش حقیقت دینی نیست. حضرت بهاءالله می فرمایند: «ندای الهی مرتفع است..»

13. روز موقیّت

1. فرارسیدن عصر وحدت بشر. حضرت بهاءالله ما را به یک دین واحد فرامی خواند.
2. تفاوت بنیادین میان رسالت حضرت بهاءالله و پرژه های طراحی شده توسط بشر. تشبث به قوه ای در روح انسان که توسط خداوند از روز ازل در او پرورش و تربیت یافته است.
3. ظهور حضرت بهاءالله نه مرحله پیش گویی و نه مرحله آماده سازی برای آن روز است بلکه دقیقاً همان روز موعود است.
4. هدف ادیان تنها رستگاری فرد انسانی نیست، بلکه دستیابی جمعی نوع بشر به روز موعود است.

5. استقرار پادشاهی خداوند بر روی زمین فرایندی تاریخی است که در دنیای ماده ظاهر می شود.